امتیاز

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

سه‌شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۹
۸ ذی‌القعده ۱۴۴۱ ● ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰
شماره ۲۹۹۲ ● ۸ صفحه

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

نگاهی به «خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری»|گریز از دام محافظه‌کاری

«خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری» دومین فیلم بلند سینمایی پیمان قاسم‌خانی در جایگاه کارگردان است؛ وی پس از آنکه نخستین تجربه کارگردانی خود را با ساخت «خوب، بد، جلف» در سینما رقم زد، فیلم دومش را نیز در امتداد ساخته نخستش کلید زد و اکنون به نظر می‌رسد قسمت سوم «خوب، بد جلف» هم در راه است و قاسم‌خانی قصد تبدیل ایده خود به یک تریلوژی را دارد.

قصه «خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری» با جمع شدن یک گروه سینمایی در کنار هم برای ساخت یک فیلم آغاز می‌شود؛ قرار معارفه گروه در رستوران گذاشته شده و سام و پژمان به عنوان بازیگران اصلی فیلم، پس از مدت‌ها یکدیگر را می‌بینند و از همان لحظات آغازین، مجادلات کلامی همیشگی‌شان را آغاز می‌کنند. قرار است کارگردانی که از آمریکا آمده، فیلمی درباره حضور نازی‌ها در ایران در دوران جنگ جهانی دوم بسازد اما مخاطب خیلی زود متوجه می‌شود که ماجرا چیز دیگری است و کارگردان و تیم سازنده در واقع مأمورین «سی‌آی‌ای» هستند که برای انجام عملیاتی خرابکارانه در پوشش یک گروه فیلمسازی وارد ایران شده‌اند؛ در حالی‌که سام و پژمان از هدف پنهان گروه بی‌اطلاعند و با رفتارهای خرابکارانه خود، ناخواسته مانع از تحقق عملیات مخرب گروه فیلمسازی میشوند؛ همین تضاد درونی میان اهداف و آگاهی‌های کاراکترها است که باعث خلق موقعیت‌های کمیک در فیلم می‌شود.

«خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری» به شکلی غافل‌گیرکننده آغاز می‌شود؛ سکانس ابتدایی فیلم بیش از آنکه به سکانس آغازین یک فیلم بلند سینمایی شبیه باشد، به آگهی تبلیغاتی یک برند تجاری تولیدکننده محصولات آرایشی-بهداشتی شباهت دارد؛ به نحوی که مخاطب احساس می‌کند فیلم هنوز رسماً شروع نشده و او در حال تماشای بخشی از آگهی تبلیغاتی پیش از شروع فیلم است! در ادامه یکی از بازیگران زن فیلم را در حالی‌که بالای سرش برند تجاری یک شرکت آرایشی بهداشتی نصب شده است، در قامت ویزیتور آن شرکت ظاهر می‌شود و مخاطب پس از حس گیجی گنگ و مبهمی که برای مدتی کوتاه روی صندلی سینما پیدا کرده است، تازه دوزاری‌اش می‌افتد که نماهای تبلیغاتی‌ای که تا آن لحظه در فیلم تماشا کرده، بخشی از «خوب بد جلف ۲: ارتش سری» بوده و فیلم با همان نماها آغاز شده است!

آخرین ساخته پیمان قاسمخانی در کسوت کارگردان اگرچه به‌سان آثار بسیاری از کمدی‌سازان سینمای ایران متضمن پاره‌ای از شوخی‌های اروتیک و میانمایه کلامی نیز هست، اما در مقایسه با بسیاری از آثار سینمایی متعلق به ژانر کمدی در سینمای ایران وضعیت مناسب و تحمل‌پذیرتری دارد؛ اساساً قاسمخانی از معدود کارگردانان کمدی‌ساز ایرانی است که برای خلق فضای کمدی در آثار خود بیش از آنکه بر عناصری چون لودگی و سخافت متکی باشد، بر خلق موقعیت‌های کمیک یا سیتکام تمرکز می‌کند و همین خصیصه، محصول کار او را از دایره آثار شانه تخمه مرغی سینمای ایران خارج کرده و قاسم‌خانی را دست کم چند پله بالاتر از سایر رقبا قرار می‌دهد.

فیلمساز در ادامه به درستی برخی مناسبات غلط رایج و مرسوم در سینمای ایران را با نگاهی انتقادی و همراه با چاشنی طنز مورد تعریض و کنایه قرار می‌دهد؛ چگونگی تولید انبوه و پرشتاب فیلم‌های سینمایی آبدوغ‌خیاری در شمال ایران، فیلمبرداری در لوکیشن‌های خارج از کشور، استفاده از زنان بدحجاب با آرایش‌های غلیظ برای جذب مخاطب بیشتر و... ازجمله مواردی هستند که جملگی در «خوب بد جلف ۲: ارتش سری» مورد نقد طنازانه قاسم‌خانی قرار می‌گیرند.

تغییرات ۱۰۰ درصدی کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم

فرهنگ همچنان در مشت اصولگرایان

در اتفاقی جالب توجه اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم نسبت به مجلس دهم صد در صد تغییر کرده اند اما بدون شک، اتفاق بامزه و در عین حال تکراری انتشار این خبر بود: « بی رغبتی نمایندگان به عضویت در کمیسیون فرهنگی!»

به گزارش امتیاز؛ حسین هاشم پور، سردبیر ایران آرت می‌گوید: میزان این بی رغبتی هم شایان توجه بود، در حالی که هر کمیسیون باید ۱۹ عضو داشته باشد، به نوشته یک رسانه اصولگرا اولویت نخست فقط شش نماینده انجام وظیفه در کمیسیون فرهنگی بود که بنا به توئیت خبرنگار دیگری این عدد روز بعد به ۱۲ نماینده رسید و احتمالا در آخرین فرصت بسته شدن عضویت در کمیسیون ها هفت نفر دیگر به زور دگنک در صندلی های این کمیسیون نشسته اند!

خبر عدم تمایل نمایندگان مجلس به عضویت در کمیسیون فرهنگی که در چند مجلس اخیر به طور مداوم تکرار شده است، کافی ست تا اوج مظلومیت هنر بار دیگر روشن شود. شاهد مثالش گزارش خبرگزاری اصولگرای» مهر» است که به صراحت می نویسد: «سرریز شدن کاندیداهای ناکام کمیسیون‌های دیگر در کمیسیون فرهنگی. «

مهر توضیح می دهد:» در همه ادوار مجلس شورای اسلامی کاندیداهایی که به دلیل سقف کمی تعریف شده به کمیسیون‌های پرطرفدار مجلس راه پیدا نمی‌کنند، به ناچار وارد کمیسیون‌های کم‌طرفدارتر از جمله کمیسیون فرهنگی می‌شوند و این طبیعتاً وضعیت این کمیسیون تخصصی را تراژیک‌تر از قبل می‌کند! «

هاشم پور افزود: البته تغییرات در ترکیب اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم قابل پیش بینی بود زیرا اکثر قریب به اتفاق اعضا پیشین یا رد صلاحیت شدند و یا رای نیاوردند.

اما با این وجود برخی تصور می کردند دستکم نصرالله پژمان فر و سیدصادق طباطبایی‌نژاد که سابقه ریاست و نایب رئیسی کمیسیون فرهنگی دارند و یا احسان قاضی زاده هاشمی که با ورود به پشت پرده های مالی فوتبال و پرسپولیس استقلال حسابی خبر ساز شده بود و در مجلس یازدهم حاضرند این عرصه را خالی نگذارند، لیکن آنها هم ترجیح دادند به کمیسیون های ارزشمند مجلس کوچ کنند!

لولو شدن کمیسیون فرهنگی مجلس

هاشم پور گفت:» تیر ماه ۱۳۹۵ مطلب» لولو شدن کمیسیون فرهنگی مجلس» را در پاسخ به مصاحبه اعتراضی نصرالله پژمان فر نوشتم، آن روزها آقای پژمان فر، یک روز پیش از آنکه رییس کمیسیون فرهنگی مجلس دهم شود در گفتگویی با خبرگزاری فارس گلایه کرده بود:» برخی می‌خواهند از کمیسیون فرهنگی «لولو» درست کنند «

در آن یادداشت ۹ پرسش طرح کردم، از جمله اینکه آیا اساسا هنرمندان اعضای کمیسیون فرهنگی را می شناسند؟ سویه کمیسیون فرهنگی در تمامی این سال ها توقیف و بگیر و ببند فلان فیلم و تئاتر و کنسرت بوده یا دسته گل فرستادن برای موفقیت های جهانی هنر ایران؟! ... در آن متن که به مزاج برخی خوش نیامد به مطلب دیگری ارجاع دادم که ملکه ذهن اکثریت جامعه هنری ایران است: « آیا مجلس و جامعه هنری دو خط موازی اند؟» که هفدهم شهریور ۱۳۹۳ نوشته ام.»

ریاست شیخ پایداری بر فرهنگ

هاشم پور گفت:» به نوشته خبرگزاری خانه ملت، اسامی اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم بدین شرح است: مرتضی آقاتهرانی، امیرحسین بانکی پور فرد، سیدرضا تقوی، حسین جلالی، هاجر چنارانی، احمد راستینه هفشجانی، سید مهدی فرشادان، سیدامیرحسین قاضی زاده هاشمی، محمد کعب عمیر، زهره سادات لاجوردی

، محمدرضا مبلغی، مجتبی محفوظی، جلیل مختار، غلامرضا منتظری، حسین میرزایی، مجید نصیرایی، بیژن نوباوه وطن، جواد نیک بین و سید علی یزدی خواه.

در این فهرست که نام های آشنا به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسد نام رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم بیش از همه به چشم آمد:» مرتضی آقا تهرانی»؛ آن سان که حتی روزنامه اصولگرای «صبح نو» که گفته می شود به آقای قالیباف، رئیس مجلس، نزدیک است با تیتر «ریاست شیخ پایداری در کمیسیون فرهنگی» بدان پرداخته و نوشته است:

«روحانی اصفهانی که این روزها ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس را به دست گرفته است، ترکیبی از یک شخصیت فرهنگی، روحانی و یک سیاستمدار است. تا قبل از روی کارآمدن دولت نهم هم شخصیت سیاسی چندانی به شمار نمی‌رفت اما بعد از ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان استاد اخلاق به هیات دولت می‌رفت و هفته‌ای یک‌روز درس اخلاق می‌گفت. این درس‌ها بعدا در کتابی به نام «دولت کریمه» منتشر شد. آقاطهرانی بعدها در مجلس هشتم و نهم نماینده مجلس شد و با تشکیل جبهه پایداری، عضو شد و در رأس این تشکل قرار گرفت. در انتخابات اخیر نیز در واپسین روزهای تبلیغات در نهایت با سایر گروه‌های اصول‌گرا ائتلاف کرد و به‌عنوان نفر سوم به مجلس شورای اسلامی راه یافت.... وی تحت نظر آیت‌الله مصباح مشغول تحصیل شد. با گذشت چند سال از تحصیل در حوزه علمیه، به قصد یادگیری علوم جدید عزم غرب می‌کند و به کانادا و سپس آمریکا هجرت می‌کند. وی از دانشگاه مک‌گیل مونترال مدرک فوق‌لیسانس عرفان گرفته، سپس به آمریکا می‌رود و از دانشگاه سونی بینگ همتون مدرک فوق‌لیسانس فلسفه غرب می‌گیرد. بازگشت وی به ایران و حضور در مجلس به‌عنوان نماینده در دوره‌های پیاپی و تاسیس جبهه پایداری، وی را به‌عنوان یک شخصیت سیاسی تثبیت کرد. در حالی که پیش از حضورش در این سمت‌ها بیشتر به‌عنوان چهره‌ای فرهنگی و حوزوی شناخته می‌شد که آثارش در حوزه‌های تربیتی و اخلاقی محل مراجعه اهل علم و فضل بود. با این حال آقاطهرانی در سال‌های اخیر ترجیح داده بیشتر به‌عنوان رجلی سیاسی معرفی شود و حالا در مجلس یازدهم به کمیسیون فرهنگی آمده و ریاست آن را هم برعهده گرفته که خود چالش‌های زیادی در سال‌های اخیر داشته است و باید دید چگونه بین وظایف این کمیسیون با تفکر سیاسی وی و حزب متبوعش توازن و تعادل برقرار خواهد شد.»

وزن کمیسیون فرهنگی

هاشم پور تاکید دارد:خوشبختانه یا متاسفانه جامعه هنری از انفعال کمیسیون های فرهنگی مجلس در همه ادوار گذشته نگرانی به خود راه نمی دهند و به یقین از بی رغبتی نمایندگان نو آمده نسبت به این کمیسیون نیز زانوی غم بغل نخواهند گرفت. زیرا هنرمندان دریافته اند از این نهادها آبی برای هنر گرم نمی شود؛ اما به یقین جای افسوس است که نهاد رسمی قانون گذاری کشور از نگاه یک گروه مرجع کشور این گونه تصویر می شود.

سردبیر ایران آرت می گوید: ۲۹ خرداد سال ۱۳۹۵ وقتی خبرگزاری مجلس شورای اسلامی اعلام کرد علی لاریجانی و علی مطهری ، رئیس و نایب رئیس مجلس دهم عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شده اند، برخی گمانه زنی می کردند این کمیسیون از رخوت و رفتار خلاف جریان هنری کشور تغییر مسیر خواهد داد و با هنرمندان سر یک سفره خواهد نشست، شمار نمایندگان موسوم به فهرست امید در آن سال با چهره های اصولگرا برابری می کرد و سبب ساز امید مضاعف برخی شده بود اما در عمل همچنان صدای رسای آن کمیسیون نصرالله پژمان فر و احمد سالک بود که در تمام سال های حضورشان نه به تماشای تئاتر نشستند و نه کنسرتی رفتند!

حالا هم برخی که البته شمارشان از برخی های سال ۹۵ بسیار بسیار اندک تر است حضور محمد باقر قالیباف که در دوره ۱۲ ساله اش در شهرداری تهران به گسترش اماکن فرهنگی کمک هایی کرده است را امید بخش می دانند؛ هر چند در نوشتار این افراد هم نحوه شکل گیری کمیسیون فرهنگی و غلبه کامل اصولگرایان بر آن را چالش جدی ارزیابی می کنند.

هالیوود چگونه چهره رتوش‌شده از «عدالت» را به‌خورد مخاطب می‌دهد؟

حمیدصنیعی‌منش

سینما با حوزه‌های گوناگون اجتماعی ارتباط دارد و یکی از مصادیق آن دستگاه عدل و داد است که از آن در هالیوود با عنوان Law movies (فیلم‌های حقوقی) یاد می‌شود. هالیوود از رهگذر سینما برای تثبیت اقتدار و عدالت ایالات متحده آمریکا تلاش‌های زیادی کرده است و صدها فیلم و سریال مرتبط با این زمینه را به‌گونه‌ای ساخته است که آمریکا را نماد عدالت و احقاق حقوق مظلومین و دادرسان می‌داند. اما آیا به‌راستی آنچه فیلم‌ها و سریال‌های هالیوودی در این زمینه برای ما تصویر می‌کنند حقیقت دارد؟ و سؤال مهم دیگر این‌که؛ آیا اقتدار قضایی و حقوقی برای آمریکا اهمیت دارد یا برقراری عدالت و قانون در اولویت این کشور است؟

عناصر دادگاه در خدمت اقتدار قضایی هالیوودی

در آثار قضایی و دادگاهی هالیوود چند عنصر به‌تفکیک از اهمیت بالایی برخوردارند و در سینمای آمریکا با ظرافت و دقت تصویر می‌شوند؛ دادگاه، وکیل، موکل، دادستان، مجرم، نیروی پلیس و امنیتی و یک عنصر بسیار جالب و مهم که در بک‌گراند یا پس‌زمینه فیلم همواره مشاهده می‌شود و بیننده ناخودآگاه آن را می‌بیند و با آن درگیر می‌شود: متن جامعه، مردم و فضای شهر

نکته ابتدایی این است که نقش و تأثیر قاضی نسبت به وکیل کمرنگ‌تر است، شاید علت آن باشد که این وکیل است که با حمایت حقوقی خود از موکل و جلب نظر هیئت منصفه به‌سوی خود و بی‌گناهی موکل دادگری می‌کند. یادمان باشد که در نظام قضایی غرب هیئت منصفه کنار قاضی نقش مهمی در قضاوت و تصمیم‌گیری وضعیت مجرم دارند. وکیل نقش واسطه‌گری میان سیستم و مردم را دارد و از این جهت عنصر مهمی برای ایجاد توازن میان جامعه و حکومت است.

دادگاه دقیقاً به‌دلیل برخورداری از اتمسفر حقوقی خود همیشه دارای یک دیسیپلین، نظم، بی‌تعارفی و اقتدار است. قاضی و حتی مأمورین در دادگاه نیز همه مانند ربات‌هایی هستند که جز قانون چیز دیگری سرشان نمی‌شوند. دادگاه خود مانند یک هنرپیشه است، نقشی که دادگاه دارد در مقام محل و یا کانالی است که از آنجا (JUSTICE) عدالت در جامعه برقرار می‌شود. میزها و صندلی‌ها و پیشخوان و... همگی هرکدام یک عنصر مجزایی در تصویرند که مانند شاهدانی برای برقراری عدالت و تسلیم امر قانون بودند. غالباً دوربین از محل نشست قاضی، از بالا بر جمعیت نگاه می‌کند: نشانه‌ای از حکمرانی دادگر بر مردم جامعه؛ یا اگر در برخی از این آثار اصرار بر بیرون کردن خبرنگاران و یا آشوبگران در محل دادگاه است، برای این است که به این بهانه‌ها اقتدار قاضی و جدّیت او در کار را نشان دهند.

همراهی جذاب پلیس و دستگاه قضا برای برقراری عدالت و امنیت

نیروی پلیس و همین‌طور نیروهای امنیتی نیز داستان مفصل جداگانه‌ای دارند که باید به آن‌ها در مقاله مختص خود پرداخت اما در اینجا مختصر اشاره‌ای می‌کنیم. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سیل آثار پلیسی و قضایی شروع می‌شود؛ می‌توان ضرورت تشکیل چنین موجی را بالا گرفتن خشونت و آمار جرم و جنایت دانست. در عموم این فیلم‌ها یکی از لوکیشن‌های ثابت دفاتر پلیس شهری است که در آن همواره مجرمان و بزه‌کاران دست‌بندبه‌دست در حال انتقال به زندانند. حتی تم عدالت و مبارزه با فساد و جرم آن‌قدر محبوبیت پیدا کرد که فیلم‌های اکشن و فانتزی مانند پلیس آهنی نیز در همین راستا تولید شدند و این بار پلیس برای نابودی خلافکاران از ربات بزرگی برای نابودی مجرمان استفاده کرد، از این نظر پلیس کنار دستگاه قضایی ترکیب بهتری را ایجاد کردند و قدرت کنار عدالت رنگ‌ولعاب جذاب‌تری برای ستایش دستگاه سیاسی آمریکا پدید آورد.

نیروی پلیس بدون شک در برقراریِ امنیت نقش مهمی دارد. پلیس خصوصاً به‌علت نزدیک‌بودنش با جامعه و مردمی‌بودنش بیشتر مورد توجه قرار دارد تا FBI. پلیس در آثاری که تم حقوقی دارند بیشتر مانند یک بال پرواز است، یک کمک برای برقراری عدالت. گاهی در درام و داستان یک تضادی میان آنان شکل می‌گیرد اما تمام آن برای شکل دادن و رسیدن به مقصدی واحد است که گفته شد.

پلیس هم زمانی که دست یک مجرم را می‌بندد و راهی زندان می‌کند یک عنصر آلوده و پلیدی را راهی قرنطینه کرده که وجود آن مایه سرافکندگی و تهدیدی برای نظام و جامعه است. البته به‌نظر می‌رسد به‌دلیل افزایش جرم و جنایت در جوامع غربی از یک سو و کم‌توجهی به نقش نیروی پلیس به‌علت پررنگ شدن وکلا و سیستم قضایی در سینمای هالیوود، یک‌باره اهمیت پلیس در سینما دوچندان شد، تا آنجا که فیلم‌های چندگانه‌ای مانند آکادمی پلیس، یا Beverly hills cop ساخته می‌شود، حتی در مجموعه Starship Troopers نیز که در ژانر علمی ــ خیالی است مسئله حذف مجرمین و پاکسازی آنان در جامعه فضایی و خیالی آینده نیز مطرح است.

نیروی امنیتی البته مانند پلیس نقش‌آفرین در جهت عدالت در جامعه نیست بلکه دارای اهمیت مهمتری ورای برقراری عدالت در متن شهر و کشور است. نیروی امنیتی آمریکا وظیفه دارد تا عدالت را در سطح جهانی برای مردم و ملت آمریکا برقرار کند. آنان وظیفه جلوگیری از ورود تروریست‌ها و برخورد با دشمنان را دارند. آنان باید به‌همراه ارتش و نیروهای برون‌مرزی عدالت را در مناطقی مثل آفریقا و خاورمیانه برقرار کنند، لذا نباید اهمیت نقش FBI و نیروهای اطلاعاتی در برقراری عدالت را نادیده بگیریم.

آخرین عنصری که اشاره شد شهر و خود جامعه است که به‌صورت کمرنگ نقش‌آفرینی می‌کند. شهر مانند یک بستر است، بستری که لاجرم در آن هم مجرمانند و هم بی‌گناهان. این شهر توسط مجریان قانون و حقوق باید از گزند آلودگی‌ها پاک شود و عدالت در آن جاری گردد. شهر و جامعه آمریکایی البته محلی برای امید و فرصت‌ها است، نبودنش باعث عدم ارتباط بیننده با فیلم می‌شود چون خود او نیز در همان بستر مکانی زندگی و تنفس می‌کند. هوای شهر نباید آلوده باشد و نجات یا حفظ آن برای زندگی در رأس تمام امور است.

وکلا و دادگاه در حقیقت گلبول‌های سفیدی هستند که علیه ویروس‌ها در حرکتاند، برقراری عدالت و اجرای قانون وظیفه آنان است.

حقیقت پشت‌پرده فیلم‌های حقوقی و تبلیغاتی آمریکاچیست؟

اما فارغ از این گزارش چقدر این تصویر درست است؟ به‌نظر می‌رسد برای تبیین واقعیت و سنجش درستی یا نادرستی باید در ایالات متحده آمریکا زندگی کرد و یا تحقیق جامعی از میزان جرم و جنایت از کشوری که بیش از یک درصد آن در زندانند به عمل آورد. اما قبل از آنکه به یک سند جالب و خواندنی از میان حقوقدانان آمریکایی اشاره شود یادمان باشد که به‌نظر می‌رسد وضعیت آشفته و عدم اجرای عدالت و قانون در آمریکا باعث شده باشد که کاراکترهای قهرمانی و ابرقهرمانی مانند بتمن و سوپرمن به داد مردم گاتهام سیتی برسند.

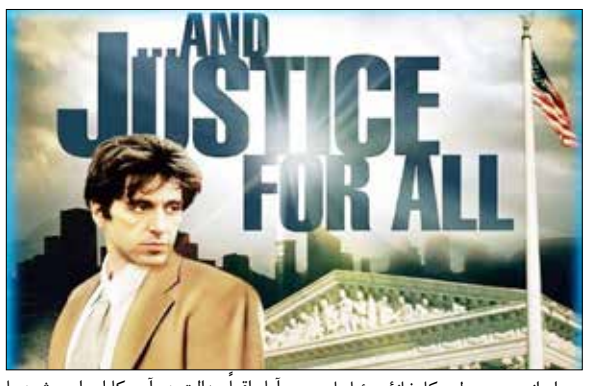

راس. دی. لوی، استاد مدرسهٔ عالی حقوق بروکلین، در کتابش، «دادگاه سلولوئید»، با استناد به فیلم‌های سینمایی در تاریخ سینما به افسون‌زدایی از تصویری پرداخته است که هالیوود همواره تلاش داشته است آن را به‌عنوان کلیت نظام قضایی آمریکا القا کند. این گونهٔ سینمایی، برای هرچه واقعی‌تر جلوه‌کردن، به تصویرپردازی از هر چیزی می‌پردازد که در روند دادگاهی واقعی، ممکن است دخیل باشد؛ قاضی، هیئت منصفه، وکیل، شاکی، مشتکی‌عنه، شاهد، پلیس و همه‌وهمه به‌تصویر کشیده می‌شوند.

چنین تصویرسازی‌ای، در طول سالیان، نه‌فقط تصویرسازیِ صرف که مؤثر بر جریان دادگاهی و روند قضایی ایالات متّحدهٔ آمریکا نیز بوده است. ازسوی‌دیگر، فیلم‌ها اغلب، همه‌چیز را همان‌طور که مطلوب مخاطب بوده است، ساخته‌وپرداخته می‌کرده و به او تحویل می‌داده‌اند. محصول کارخانهٔ رؤیاسازی هالیوود همان چیزی بوده است که مردم و قدرتمندان می‌خواسته‌اند، بنا به همین دلیلِ اساسی، تصویری که هالیوود از نظام قضاییِ ایالات متّحده ارائه می‌کند، تصویری روتوش‌شده و دور از واقع است.

ازاین‌رو این اثر، مطالعه‌ای است کم‌سابقه در زمینهٔ دروغی دامنه‌دار و طولانی در عرصهٔ تاریخ که به مردم زیادی عرضه شده و به همین دلیل حائز اهمیت است. ارزش دیگرِ کار، جایی نمایان می‌شود که نویسندهٔ آن، خود در رابطهٔ مستقیم با سیستمی کار کرده است که مردم مدّت‌ها تصویری دیگر از آن می‌دیده‌اند،

حقایقی از زبان نویسنده کتاب که خود در نظام حقوقی فعالیت دارد و سینما را می‌شناسد، به‌نظر می‌رسد نیازی به سفر به آمریکا برای فهم اینکه آیا واقعاً عدالت در آمریکا اجرا می‌شود یا خیر نیست بلکه این کتاب خود واقعیت را نمایان می‌کند

«دستگاه قضایی ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام سیاسی این کشور تلاش وافر دارد تا احساس عدالت، امنیت و آزادی برای مردم ایجاد شود. هرچقدر این تم قدرت بیشتری داشته باشد نظام نیز از ثبات بیشتری برخوردار است و رؤیای آمریکایی محقق‌تر است.»

حال به این فکر می‌کنم که چرا هنوز تظاهرات هزارنفری سیاه‌پوستان علیه تبعیض نژادی و حملات وحشیانه پلیس در قلب تمدن و توسعه‌یافتگی کماکان در خیابان‌ها در جریان است! چون نه‌تنها عدالتی وجود ندارد بلکه حتی احساس عدالت نیز لمس نمی‌شود.

یک فنجان چای داغ

امکان برنامه‌ریزی در تئاتر نداریم بلاتکلیفی مسابقه‌ای که زرد نیست

جواد مولانیا بازیگر و کارگردان تئاتر درباره فعالیت‌های اخیرش در این حوزه به خبرنگار مهر گفت: قرار بر این بود که از سوم فروردین‌ماه ۹۹ نمایش «شاه لیر» را که خوانش جدیدی از نمایشنامه «شاه لیر» شکسپیر است، در تماشاخانه نوفل لوشاتو به صحنه ببرم. این نمایش در نوبت بازبینی قرار داشت اما با تعطیلی تماشاخانه‌ها به دلیل شیوع کرونا، اجرایش متوقف شد و همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برد.

وی ادامه داد: در این بحران تماشاخانه‌های خصوصی متحمل ضرر زیادی شدند و دولت نیز از آن‌ها حمایتی نکرده است. تماشاخانه نوفل لوشاتو نیز یکی از این مراکز است که سال‌ها به جوان‌ترها و دانشجویان میدان می‌داد و زحمت زیادی برای سرپا ماندن کشید اما متأسفانه در شرایط پیش آمده با مشکلات زیادی روبرو شده است.

این مجری تلویزیون درباره دیگر فعالیت‌هایش بیان کرد: همچنین قرار بود از ۲۰ خرداد با نمایش «زندگی گالیله» به کارگردانی شهاب‌الدین حسین‌پور در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه بروم که زمان اجرای این نمایش نیز هنوز مشخص نیست. همچنین طی گفتگوهایی که با کامران شهلایی در ارتباط با یک اثر نمایشی داشتیم، ایده‌ای درباره زندگی فروغ فرخزاد را مطرح کردم که شهلایی نیز استقبال کرد و مشغول نگارش متن شد.

مولانیا متذکر شد: مشورت و گفتگوهای زیادی درباره این اثر با یکدیگر داشته‌ایم و قرار بر این شد که نمایش را به‌صورت کارگردانی مشترک به صحنه ببریم اما متأسفانه هنوز آینده تئاتر نامشخص است و نمی‌توان برای کار در آن برنامه‌ریزی درستی انجام داد چون هنوز مشخص نیست اجراهای به تعویق افتاده علاقه‌مند به اجرای مجدد اثرشان هستند یا نه و اینکه میزان استقبال تماشاگران با وجودی که قرار است تنها ۵۰ درصد ظرفیت سالن‌ها فعال باشد، چگونه خواهد بود. از طرف دیگر با این شرایط گروه‌های تئاتری نیاز به حمایت دارند اما متأسفانه انگار قرار بر حمایت نیست.

وی یادآور شد: به عنوان نمونه برای آماده سازی نمایش «لیرشاه» من هزینه زیادی را صرف اجاره پلاتو، پذیرایی و تمرین‌های نمایش به صورت شخصی کردم اما متأسفانه اعلام کردند فقط گروه‌هایی که نوبت اجرا داشته و بازبینی رفته‌اند می‌توانند برای دریافت خسارت اقدام کنند، در صورتی که تنها چند روز به زمان بازبینی این نمایش مانده بود که مراکز هنری تعطیل شدند. متأسفانه سازوکار نحوه پرداخت و میزان حمایت از گروه‌هایی هم که برای جبران خسارتشان مورد تأیید قرار گرفته‌اند، مشخص نیست و مسئولان ما تنها به برگزاری جلسات و صدور بیانیه‌ها و بخشنامه‌های بدون فکر و بی ثمری که راهگشا نیست، بسنده می‌کنند.

کارگردان نمایش «هوراشیو» بیان کرد: در دوران تعطیلی تماشاخانه‌ها و فعالیت‌های تئاتری پروژه‌ای به اسم «نمایشخانه» آغاز به کار کرد که در آن هنرمندان شناخته شده‌ای چون آتیلا پسیانی، علیرضا آرا، آزاده صمدی، امیررضا دلاوری و... اقدام به خوانش نمایشنامه‌های مختلفی به صورت زنده در فضای اینستاگرام می‌کردند. این پروژه با حمایت شهرداری تهران انجام شد که من نیز یکی از برگزارکنندگان این پروژه بودم و نظارت کیفی روی تصاویر و صداها داشتم.

وی در پایان درباره ادامه مسابقه سینمایی «چهار، سه، دو، یک» در تلویزیون توضیح داد: پخش هفتمین فصل این مسابقه به پایان رسیده است و با وجودی که برای ضبط فصل جدید برنامه متقاضی هستیم اما هنوز مشخص نیست که این مسابقه سینمایی ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر. ویژگی این مسابقه این است که اصلاً برنامهٔ زردی نیست و تلاش شده در هر فصل از داوران باسواد و متخصص که اکثراً از اساتید دانشگاه هستند، دعوت به حضور شود اما به نظر می‌رسد به دلیل اینکه بدون اسپانسر و ستاره مربع‌ها سرپا ایستاده، تبلیغات زیادی برای معرفی آن صورت نمی‌گیرد!

فیلم‌های «هنروتجربه» افزایش پیدا کرد از سر گیری اکران‌های ناتمام

از روز هشتم تیرماه تعدادی دیگر از فیلم‌های «هنر و تجربه» اکران خود را در سینماها آغاز می‌کنند. فیلم «حوا، مریم، عایشه» ساخته صحرا کریمی، بسته فیلم‌های کوتاه «یلدای کوتاه» و ۲ مستند «آرشیو متروک» و «تیتراژ در سینمای ایران» به کارگردانی مهرشاد کارخانی فیلم هایی هستند که اکران آنها به دلیل شیوع کرونا و تعطیلی سینماها متوقف شده بود و حال با بازگشایی سینماها ادامه اکران خود را دنبال می‌کنند. «یلدای کوتاه» شامل پنج فیلم کوتاه «آدم پران» ساخته امیررضا جلالیان، «تنفس» ساخته فرشید ایوبی‌نژاد، «کل به جز» ساخته وحید حسینی نامی، «بایرن مونیخ» ساخته نگین امین‌زاده و «سینما نمایشگاه مجهول و داستان ما» ساخته حمید یوسفی است.۲ مستند «آرشیو متروک» و «تیتراژ در سینمای ایران» دی ماه سال گذشته در سینماهای «هنر و تجربه» روی پرده رفته بود و با شیوع کرونا و تعطیلی سینماها روند اکران این ۲ مستند هم متوقف شد و حالا با بازگشایی سالن‌های نمایش فیلم، این ۲ مستند در اولین سانس اکران جدید خود دوشنبه ۹ تیر ساعت ۱۸ در خانه هنرمندان اکران می‌شوند.

آگهی

به استناد رونوشت سند شماره ۶۷۲۲۸ مورخ ۹۸/۹/۱۸ با شناسه سند ۱۳۹۸۱۱۴۵۶۹۵۲۰۰۰۱۷۴ دفتر اسناد رسمی ۳۷ بندرگناوه خانم فاطمه شهبازی فرزند حسین تمامی شش دانگ سهام خود در مالکیت لنج باری به شماره ثبت ۱۰۸۷۴ - بندرعباس را به خانم کوکب رسولی فرزند حسین انتقال قطعی داده است.
مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می‌گردد.

سازمان بنادر و دریانوردی

م/۶۸۵ الف

نوبت اول
شرکت ملی نفت ایران
آگهی مناقصه یک مرحله ای با ارزیابی ساده
شماره مجوز:۱۳۹۹/۱۶۲۷
شرکت ملی حفاری ایران (سهامی خاص)

موضوع مناقصه :خرید قطعات مربوط به: P/F:" MCCOY (FARR)"HYDRAULIC POWER TONG

نام مناقصه گزار	شماره تقاضا / مناقصه	شماره ثبت در پایگاه ملی مناقصات	مبلغ برآورد (ریال)
شرکت ملی حفاری ایران	Tender No.:FP/04-98/189 Indent No.: 08-22-9845104	۸/۲۲۲/۴۸۵	۱۸/۷۳۰/۰۰۰/۰۰۰

• روش ارزیابی کیفی مناقصه گران :

روش ارزیابی	به صورت ساده بر اساس ارایه جواز کسب/ مدارک حقوقی (اساسنامه /آگهی تامین تا آخرین تغییرات) معتبر متناسب با موضوع مناقصه در جلسه گشایش پیشنهادها انجام می شود.

• نحوه دریافت/ تحویل اسناد مناقصه :

توزیع اسناد توسط شرکت	تاریخ شروع دریافت	توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ده روز پس از آن ادامه خواهد داشت.آخرین مهلت دریافت اسناد (۹۹/۰۴/۲۲)
	محل دریافت	آدرس: اهواز-بلوار پاسداران-بالاتر از میدان فرودگاه-شرکت ملی حفاری ایران-ساختمان پایگاه عملیاتی-طبقه اول- سالن ۱۱۳- اداره تدارکات خارجی کالا - آقای موگهی شماره تماس : ۰۶۱-۳۴۱۴۸۲۵۳ - ۰۶۱-۳۴۱۴۸۶۵۷
	نحوه دریافت	۱- ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱۹۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۴۰۲۰۴۹۱ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR ۵۲۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۴۰۲۰۴۹۱) ۲- درخواست رسمی متقاضی (باذکر نام دقیق) مبنی بر دریافت اسناد مناقصه
تحویل اسناد به شرکت	آخرین مهلت	۳۵ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد (آخرین مهلت تحویل پاکات به کمیسیون مناقصات (۹۹/۰۵/۲۷) گشایش پاکات در تاریخ(۹۹/۰۵/۲۸) ساعت ۹:۰۰ صبح
	محل تحویل	اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از سه راه فرودگاه - شرکت ملی حفاری ایران - ساختمان پایگاه عملیاتی - طبقه اول پارت B - اتاق ۱۰۷ - دبیرخانه کمیسیون مناقصات- شماره تماس ۹ ۳۴۱۴۸۵۶۹ - ۰۶۱-۳۴۱۴۸۵۸۰

• تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار) :

مبلغ تضمین	۹۳۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال / ۵۰۷۰ یورو
ان